



تبیین و تحلیل منهج، معایب و محاسن علمی، تفسیر فتح القدير

پوهنمل خال محمد حقجو و^۱ دکتر امیر جودوی

۱. استاد دیپارتمنت علوم و فرهنگ اسلامی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون بغلان-افغانستان.

۲. دانشیار دکتر امیر جودوی استاد دیپارتمنت تفسیر، پوهنځی الهیات، پوهنتون یزد-ایران.

ایمیل آدرس: khalmohammadhaqju123@gmail.com

خلاصه

بیان مسئله: تحقیق حاضر منحصراً یک مقاله علمی پیرامون تحلیل و تبیین منهج، معایب و محاسن تفسیر فتح القدير شوکانی است. این تحقیق دربرگیرنده مطالب متعددی از قبیل: معرفی مختصر شوکانی، معرفی کتاب (فتح القدير)، ویژگی‌ها و میزات علمی کتاب، نقد و بررسی علمی منهج کتاب، روش و نحوه استفاده شوکانی از مبانی و گرایش‌های تفسیری با ذکر مثال‌های تطبیقی و در اخیر با یک نتیجه‌گیری دقیق و سنجیده پژوهش به پایان رسیده است.

روش تحقیق: بعد از تحلیل منهج، محاسن و معایب تفسیر موصوف، بر اساس روش تحلیلی-توصیفی انجام شده است.

نتیجه: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مفسر تلاش نموده از اسرائیلیات در تفسیر پرهیز نماید، ولی در جاهایی از تفسیرش گرفتار روایات اسرائیلی شده و در زمینه اسباب نزول، فضیلت سوره‌ها و بیان قرأت متواتره و شاذه، روایات ضعیف و حتی موضوع را نقل نموده که دارای نقدهای فراوانی است. **نتیجه‌گیری:** با وجود این ضعف‌ها و اشکالاتی که در تفسیر شوکانی وجود دارد، نمی‌توان جایگاه علمی کتاب و زحمات مؤلف آن را نادیده گرفت؛ بلکه قابل تقدیر است؛ چون تفسیر وی دارای نقاط قوی علمی و از مزایای والای تألیفی برخوردار می‌باشد که موجب بودن و در برگرفتن تمامی آیات قرآن از جمله آن‌ها محسوب می‌شود.

کلمات کلیدی: شوکانی، محاسن تفسیری، معایب تفسیری، منهج تفسیر فتح القدير.

استاد: حقجو، خال محمد و جودوی، امیر. (۱۴۰۴) تبیین و تحلیل منهج، معایب و محاسن علمی، تفسیر فتح

القدير. دوفصلنامه علمی-تحقیقی عینک علمی-خبرنیزه مجله، سال دوم، شماره ۴، صفحه ۱۲۵-۱۴۶. DOI:

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: مؤسسه تحصیلات عالی لوگر

مقدمه

ستایش مخصوص خداوندی است که ما را با نعمت علم و دانش آشنا نمود و اگر خداوند متعال ما را در این مسیر، هدایت نکرده بود، ما به این راه نمی یافتیم. درود و سلام بر روان پاک آنحضرت صلی الله علیه وسلم و ال و اصحابش باد.

قرآن به عنوان کتاب آسمانی قانونی است جامع و کامل که برای هدایت و سعادت‌مندی بشر، شرف نزول پیدا کرده است و خوشبختی زندگی دنیا و آخرت انسان را تضمین می‌نماید. بنا برین از همان ابتدایی نزول، توجه دانشمندان را به خود جلب نموده، در معرض تفسیر و تبیین قرار گرفته است.

بعد از دوران رسول الله، صحابه و تابعین، این وظیفه علمی بر دوش عالمان و دانشمندان افتاده است، بنا براین اساس هر عالمی به نوبه خود مسئولیت علمی خویش را در قبال تفسیر و تبیین معانی قرآن کریم، با توجه به ظرفیت علمی که داشتند و دارند، اداء نموده‌اند. ناگفته نماند که شوکانی رحمه الله یکی از مفسرین برجسته قرآن کریم است که تفسیری تحت عنوان (فتح القدیر)، تحریر نموده است؛ اما از اینکه علم بنده‌های خدا همانند علم خداوند محیط نیست، طبعاً تحقیق شان دارای معایب و محاسن می‌باشد، لذا نگارنده می‌خواهد، تفسیر مفسر مزبور را تحت تحلیل قرار دهد و از لابه‌لای تحقیق پیرامون منهج، روش، معایب و محاسن تفسیر او را بازتاب داده، به رشته تحریر در آورد، تا باشد که میزات و نواقص کاری او نسبت به سایر مفسرین برجسته گردیده و سبب اصلاح منهج مفسرین معاصر در تفسیر قرآن کریم گردد.

بیان مسئله: از آنجا که قرآن کتاب راهنما برای زندگی و در بردارنده سعادت دنیوی و اخروی بشر و نقشه‌ی راه رسیدن به سعادت است، لذا فهم بهتر آن موجب هموار شدن این راه و دوری از گمراهی در زندگی می‌شود. در طول تاریخ تلاش‌هایی برای فهم و تفسیر این کتاب عظیم الشان، باشیوه‌های مختلف، صورت گرفته که به نظر می‌رسد، با توجه به این که، علم بشر محدود بوده و فعالیت بشری دارای کمی و کاستی می‌باشد؛ هر کدام از تفاسیر دارای نقاط قوت و ضعف علمی می‌باشند. یکی از راه‌هایی که می‌تواند ما را به نقاط قوت و ضعف علمی و منهجی تفاسیر، آشنا و در جهت فهم بهتر کتاب خدا، یاری نماید. تحلیل و نقد دقیق عملکرد تألیفی مفسرین و منهج آن‌ها از جنبه‌های مختلف است. بنا بر این دلیل، این تحقیق در صدد آنست که منهج تفسیر فتح القدیر تألیف محمد بن علی شوکانی از دانشمندان معروف در تفسیر کتاب خدا را به تحلیل و بررسی گیرد و در پرتو آن، منهج، مبانی، روش‌ها و گرایش‌های که مفسر در تفسیرش از آن پیروی کرده است، توضیح دهد و توأم با آن، معایب و محاسن علمی آن را بر ملا سازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق: تفسیر شوکانی (فتح القدیر) یک فعالیت علمی بشری است، با توجه به این که علم بشر محدود و در برگیرنده نقطه قوت و ضعف علمی می‌باشد. ایجاب این را می‌نماید که با در نظر داشت معیارهای علمی، مورد تحلیل قرار گیرد تا باشد که معایب و محاسن تفسیری وی بیان گردد و در دسترس محصلان، علم‌پروران و خوانندگان گرامی قرار گیرد. لذا تحقیق هذا در محور

بررسی منهج، محاسن و معایب تفسیر متذکره می‌چرخد و جایگاه علمی و منهجی این تفسیر را با کمی و کاستی که دارد، به ارمغان می‌آورد و روزه‌ای می‌شود برای تحلیل و تحقیق، پیرامون مناهج مفسرین و روزرسانی جایگاه علمی آن‌ها به زبان‌های ملی؛ چراکه تحقیق در مورد مناهج تفسیری مفسرین، نقش بسزای در فهم قرآن کریم داشته و آثار مهمی بر جا می‌گذارد. همچنین بررسی مناهج، معایب و محاسن تفسیری مفسرین، در ارتقای ظرفیت علمی محصلان، اساتید و طالبان علوم اسلامی، نقش مؤثر دارد.

پیشینه تحقیق: بحث نقد و بررسی منهج، معایب و محاسن تفسیری مفسرین سلف و خلف یک موضوع جدید و نوین است، با وجودیکه یک بحث جدید بوده، بازهم همواره مورد توجه دانشمندان و محققان معاصر قرار گرفته است و بهای بیشتری برای آن داده شده است. این حس علمی و تحقیقی محققان، باعث شده که تنها در مورد تفسیر فتح القدير شوکانی کتب و مقالاتی متعددی نگاشته شود اینک برای نمونه به ذکر برخی از آن‌ها به شرح ذیل پرداخته می‌شود:

«الإمام شوکانی مفسراً» از محمدحسن بن احمد الغماری، در سال ۱۴۰۰ هـ.ق. توسط شخص مذکور جهت رسیدن به درجه دکتورا تحقیق گردیده است که بیشتر تمرکزش بالای مواقف علمی شوکانی در مسائل مختلف از قبیل صفات خداوند، حکم تقلید، موقف شوکانی در ناسخ القرآن و... بوده اما به منهج شوکانی، معایب و محاسن تفسیری وی مشخصاً تصریح نکرده است. امام شوکانی مفسراً رساله تحقیقی است که توسط محمدحسن بن احمد الغماری در سال ۱۴۰۰ هـ.ق جهت نایل آمدن به درجه دکتورا نگاشته شده است. تمرکز رساله مذکور بیشتر روی مواقف علمی شوکانی در مسائل مختلف از قبیل صفات خداوند، حکم تقلید، موقف شوکان در ناسخ القرآن و... بوده است؛ اما به منهج شوکانی، معایب و محاسن تفسیر وی تصریح مشخصی ندارد. با بررسی‌هایی که انجام شد به کتابی ابو حفص بن عمران، احمد عبد الله المقرئ، دسترسی پیدا نکردیم. گرچه این کتاب‌ها به بررسی منهج و روش تفسیری «فتح القدير» پرداخته، از یک طرف، اکثریت قاطع آن‌ها به زبان عربی بوده، در حالی که تحقیق حاضر به زبان فارسی می‌باشد. و از طرف دیگر اگر بعضی از آن‌ها به فارسی هم ترتیب شده، می‌باشد. علیرضا کریمی ارقینی در این کتاب تنها نگاه منتقدانه و مغرضانه به «فتح القدير» دارد، نه نگاه عادلانه؛ چون در بسیاری از موارد در باره آراء شوکانی قضاوت یک جانبه نموده است، و آن این که تنها به معایب او پرداخته محاسن تفسیری او را بیان نکرده است؛ بنا برین لازم دیده شد تا تحقیق جدیدی پیرامون منهج، معایب و محاسن تفسیری این مفسر به گونه منتقدانه به انجام برسد؛ تا باشد خلاهای که در نظر است تکمیل گردد. البته ناگفته نماند که کتاب عبد اللطیف لمنظم از منابع مفیدی است که در نگارش این مقاله از آن استفاده شده است.

اهداف تحقیق:

۱- تبیین معایب و محاسن تفسیری، تفسیر فتح القدير و انجام نقد و بررسی جهت تسهیل فهم تفسیری قرآن کریم در جامعه‌های اکادمیک و پوهنتونی.

۲- تشویق دانشمندان علوم اسلامی به تفسیر قرآن کریم در پرتو بررسی محاسن و نقد معایب تفسیری، فتح القدیر.

۳- حفظ توازن علمی و گرایش های تفسیری در تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم.

۴- تبیین شیوه های استفاده از منهج علمی و تفسیری علماء معروف و برجسته تفسیر، همچون شوکانی رحمه الله، در تفسیر قرآن کریم.

۵- ایجاد انگیزه برای دانشمندان، در جهت بررسی و نقد سالم از عملکرد مفسرین در روشنائی اصول و مبانی تفسیری.

(ح) سؤالات تحقیق:

۱- تبیین و تحلیل منهج تفسیر فتح القدیر، در رشد فهم علمی تفسیر قرآن کریم در جامعه های اکادمیکی و پوهنتونی، چه نقش دارد؟

۲- بررسی محاسن و معایب تفسیر « فتح القدیر » به چه پیمانه می تواند زمینه تشویق دانشمندان را برای تفسیر علمی قرآن کریم مساعد نماید؟

۳- با توجه به نقد و بررسی منهج، محاسن و معایب تفسیر فتح القدیر، توازن علمی و گرایش های تفسیری در آن به کدام اندازه رعایت گردیده؟

۴- نقد و بررسی منهج، معایب و محاسن تفسیری فتح القدیر چه آثاری در تقویت علمی رشته های تفسیر و علوم قرآنی دارد؟

مواد و روش کار:

با توجه به طبیعت موضوع، روش تحقیق درین مقاله تحلیلی- توصیفی است و با درنظرداشت ساختار، نوشته حاضر مبحث مروری می باشد که نگارنده داده ها و اطلاعات را بعد از مرور بر مباحث تفسیر متذکره، جمع آوری نموده و مورد تحلیل، تبیین و نقد قرار داده است. بیشترین مواد این تحقیق را منابع کتابخانه ای تشکیل می دهد که از مصادر و مراجع مختلف علمی، استفاده شده است. همچنان تحقیق حاضر بر پایه استناد و استدلال به منابع معتبر اسلامی صورت گرفته است.

مطلب اول: در آمدی بر مطالب تمهیدی

فرع اول: معرفی مفسر

قبل از اینکه به اصل موضوع داخل شویم، جهت آگاهی از چارچوب تحقیق و تکمیل شدن برنامه تحقیق، پیرامون منهج، معایب و محاسن تفسیر شوکانی لازم است که مرور گذرا به معرفی مفسر و کتاب وی داشته باشیم.

الف: نام و نسب امام شوکانی رحمه الله: قاضی محمد بن علی بن محمد بن عبدالله شوکانی در روز دوشنبه، ۲۸ ذی القعدة سال ۱۲۷۳ هـ. ق در قریه (هجره شوکان) از قریه هاسحامیه شهر صنعان یمن به دنیا آمد. پدر وی، عالم برجسته و معروف به صلاح و پاکی روح بود. در دامن پدر در صنعان پرورش

یافت و با مهیا بودن محیط خانوادگی و وسایل رزق و اسباب حیات، به فراگیری علم مشغول گشت و در یمن نزد مردم صاحب منزلت و جایگاه خاصی بود، علماء و أدباء زیادی در تربیت، اصلاح، تدریس و مفتی شدن آن نقش داشت؛ و در رأس آن‌ها پدرش علامه زاهد علی بن محمد شوکانی که در بین سال‌های (۱۱۳۰ - ۱۲۱۱ هـ) می‌زیست، قرار داشت. همچنان او دارای نبوغ علمی، دریای علم متولی امور قضاوت در صنعان و از مدرسین و مفتی‌های بزرگ و مشهور عصر خویش بود. شوکانی شب چهارشنبه ۲۷ جمادی الثانی سال ۱۲۵۰ هجری در صنعان به عمر ۷۶ سالگی، دار فانی را بدرود گفت و در همانجا در مقبره خزیمه دفن گردید.^۱

ب: زندگی علمی وی رحمه الله: تحصیلات خود را از قرائت و حفظ قرآن، آغاز و سپس کتاب‌های زیادی را در علوم مختلف حفظ نمود، از عالمان زیادی دانش آموخت، همراه با تحصیل به تدریس تفسیر، حدیث، و... اشتغال ورزید. در سن ۲۰ سالگی، بدون مخالفت اساتیدش اقدام به افتاء نمود. با وجودیکه در همه بخش‌های علوم دینی معلومات داشت، اما در حدیث و تفسیر سرآمد هم‌روزگاران خود شد. به دلیل عدم موافقت والدینش در حیات آن‌ها مؤفق به سفرهای علمی نشد. بدین جهت تحصیل و تدریسش، منحصر به صنعا و یمن بود.^۲ علاقه‌مندی خاصی به مطالعه کتاب‌های تاریخ و ادب داشت.^۳ در بعضی کتاب‌های تراجم از آن به عنوان: مفسر، محدث، فقیه، اصولی، مؤرخ، آدیب، نحوی، منطقی، متکلم، حکیم، یاد آوری صورت گرفته است.^۴ در مورد شاگردان و اساتید خود، کتابی بنام «الإعلام بالمشایخ الأعلام و التلامیذ الکرام» نوشته و شرح حال برخی از آنان را در کتاب «البدر الطالع» آورده است، جهت معلومات بیشتر، به تألیفات فوق مراجعه صورت گیرد.

وی با وجودیکه منصب قاضی القضاات را همراهی تدریس در فنون مختلف عهده دار بود، در باب تألیف هم توجه ویژه نموده در انواع مختلف علوم شرعی تألیفات دارد. عبدالغنی القاسم می‌گوید: تألیفات مطبوع و مخطوط وی به (۲۷۸) جلد عنوان بالغ می‌گردد.^۵

فرع دوم: معرفی کتاب

تألیف تفسیر فتح القدیر، در سال ۱۲۲۳ هجری توسط عالم نامبرده شروع شد. در اثر دیگر خود البدرالطالع می‌گوید: "الآن تفسیر کتاب الله را جمع می‌کنم که جامع بین الروایة والدراية می‌باشد، به خداوند امید دارم که مرا بر تمام کردن آن با فضل و منت خود کمک نماید. و تألیف آن در ماه رجب سال ۱۲۲۹ هجری، ختم گردید".^۶

^۱- الشرجبی، عبد الغنی قاسم غالب، الإمام الشوکانی حیاته وفکره، بیروت: مؤسسة الرسالة، ص ۱۵۵.

^۲- شوکانی، محمد بن علی، قطر الولی علی حدیث الولی، تحقیق: إبراهيم إبراهيم هلال (دار الکتب الحدیثة)، ص ۱۶

^۳- شوکانی، محمد بن علی، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بیروت. ج ۲/ص ۲۱۵.

^۴- الغماری، محمد حسن بن احمد، الإمام شوکانی مفسراً، رساله مقدمه لنیل درجه الدكتوراه، (مکه مکرمه: جامعه ام القرى.

۱۴۱۱ق، ص ۵۹.

^۵- عبد الغنی قاسم، الإمام الشوکانی: حیاته وفکره، ص ۱۹۲.

^۶- الشوکانی، البدر الطالع / ج ۲/ ص ۲۲۲ - ۲۲۳

فتح القدير از تفاسير مشهور متأخرين که دارای اهمیت و ارزش علمی بوده، محسوب می‌گردد؛ چون امام موصوف در این تفسیر تحقیقات بدیع، تنبیها ت نفیس، ترجیحات مقنع، و قواعد مهم را به کار برده است، وی در رابطه به ارزش علمی فتح القدير در مقدمه آن چنین ابراز نظر نموده است: " این تفسیر گرچه حجمش بزرگ است، اما علم و معلومات زیادی در آن گنجانیده شده و مشتمل بر تحقیق خاص تفسیری می‌باشد و در عین حال بر مبنایی حقیقت علمی استوار است. این تفسیر شامل فوائد بدیع و قواعد نادر و غریب، می‌باشد، اگر کسی می‌خواهد به ارزش علمی و حقیقت جامع بودن آن، دست پیدا کند، این را با تفاسیر که روایی اند و تفاسیر که اجتهادی و درایتی اند، مقایسه کنند، یقیناً روزنه‌ی روشن صبحگاه در باب تفسیر برایش باز خواهد شد و در این صورت آشکار می‌شود که این کتاب لب لباب و عجب عجاب و ذخیره طلاب و نهائی ترین نیازها و حاجت‌های صاحبان الباب است. با توجه به مشمولیت این کتاب در بین روایت و درایت به «فتح القدير الجامع بین فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر»، مسمی نمودم (۱).

از نظر کحاله عمر رضا: (فتح القدير) در تفسیر و (نیل الأوطار) در حدیث از بهترین‌های اند که برای استفاده مردم، ترتیب و تألیف شده اند (۲). دکتر حسین الذهبی در مورد تفسیر گفته است: " این تفسیر أصل از اصول تفسیر، مرجع مهم از مراجع آن می‌باشد، زیرا که در بین تفسیر بالدرایة و تفسیر بالروایة، جمع کرده است و در باب درایه مهارت خاصی را به کار گرفته و خوب درخشیده است، همچنان در باب روایه از توسع کار گرفته است" (۳) دکتر الغماري پیرامون جایگاه علمی تفسیر وی فرموده: " شوکانی تفسیر بزرگی را با این ویژگی که: مطالب پراکنده دیگر تفاسیر را با سبک خاصی جمع نموده، تصنیف کرده است" (۴).

مطلب دوم: تبیین و تحلیل منهج، محاسن و معایب علمی تفسیر فتح القدير

تعریف منهج: در لغت به معنای روش، شیوه، آیین، طریق واضح، سبک و... آمده است (۵).

۱- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير الجامع بین فنی الروایة والدرایة من التفسیر، الناشر: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب - دمشق، بیروت الطبعة: الأولى - ۱۴۱۴ هـ. ج ۱/ ص ۱۴.

۲- کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، الشاملة الإصدار ۲، ۱۱، (۵۳/۱۱).

۳- ذهبي، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، (القاهرة: مكتبة وهبة) ج ۲/ ص ۲۱۱ - ۲۱۲.

۴- الغماري، الشوکانی مفسراً، ص ۳۹۷.

۵- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، ۱۴۱۴ هـ. لسان العرب. الناشر: دار صادر - بیروت. طبع سوم. ج ۳/ ص ۳۸۳-۳۸۴. جمال الدین، محمد طاهر بن علی الصديقي. ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م. مجمع بحار الأنوار في غرائب التنزيل ولطائف الأخبار. الناشر: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية. الطبعة: الثالثة. ج ۴/ ص ۸۰۸.

در اصطلاح "منهج" معمولاً به عنوان یک اسم به کار می‌رود و در متون علمی و فلسفی برای بیان شیوه‌های تحلیلی یا روش‌های علمی بابت انجام کاری، استفاده می‌شود.^۱

فرع اول: تبیین و تحلیل منهج شوکانی در ترتیب داده‌های تفسیری، نقد و بررسی آن

منهج شوکانی در ترتیب داده‌های تفسیری به دو بخش تقسیم می‌شود، یکی: منهج اجمالی و عام در ترتیب داده‌ها است. دوم: منهج تفصیلی در ترتیب داده‌ها است که قرار زیر بیان می‌گردد: این مطلب در برگیرنده دو موضوع می‌باشد، یکی منهج اجمالی و عام شوکانی در ترتیب داده‌ها. دوم منهج تفصیلی شوکانی در ترتیب داده‌ها.

طوریکه شوکانی در مقدمه تفسیر خود ضمن بیان انگیزه تالیف کتاب تفسیر، روش اجمالی و عام خود را نیز متذکر گردیده که خلاصه آن چنین است: چون تفسیر جایگاه بالایی دارد و در بین علوم مختلف ممتاز است، و نیز مفسرین غالباً به دو گروه تقسیم شده‌اند، عده‌ای فقط روایت را در تفسیر قرآن در نظر گرفته‌اند. و از تفسیر اجتهادی اجتناب کرده‌اند و عده‌ای دیگر فقط بحث‌های تفسیری را به گرایش‌های ادبی، مانند: لغت، معانی، بیان و... اختصاص داده، مطرح نموده بودند و روایات تفسیری پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم و صحابه و تابعین را مد نظر نداشته‌اند. که هر کدام از این دو گروه، کار ناقص در حوزه تفسیر انجام داده بودند، به‌اساس اینکه جمع بین این دو شیوه، یک ضرورت علمی بود، تصمیم گرفتم تفسیری تألیف نمایم.^۲

باتوجه به فرموده شوکانی، ثابت می‌شود که منهج او در ترتیب و تنظیم داده‌ها کلی (داده‌های روایتی و درایتی) طوری است که خلافاً و نواقص کاری مفسرین قبلی را جبران کرده است.

منهج تفصیلی امام شوکانی در ترتیب داده‌های تفسیری در تفسیر و تبیین آیات قرآنی و یا سوره‌ها به طور خلاصه چنین است: شوکانی در تفسیر خود اول از بیان مکی و مدنی بودن سوره شروع نموده است، سپس فضیلت سوره و یا آیه در صورتی که دلیلی برای فضیلت آن‌ها از سلف صالح موجود باشد. آورده است. مثلاً دلایل از احادیث و روایات برای بیان فضیلت حمد تذکر داده است.^۳ و یا فضیلت سوره بقره را ذکر کرده است. سوم: شرح و توضیح اقوال علماء پیرامون معانی حروف مقطعات در محل آن‌ها، طور مثال اقوال علماء سلف و خلف را در رابطه به حروف الم در اول سوره بقره تذکر داده است.^۴ چهارم: قرائت‌ها وارده، پیرامون کلمات قرآنی، اعم از متواتر و شاذ را، ذکر می‌کند. پنجم: بیان سبب نزول در صورت موجودیت آن. ششم: اهتمام به ذکر لغات و واژه‌ها، مشتقات و اعراب

^۱ - عمر، أحمد مختار عبد الحمید بمساعدة فريق عمل. ۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م. معجم اللغة العربية المعاصرة. الناشر: عالم الكتب. طبع اول. ج ۳ / ص ۲۲۹۰ - ۲۲۹۱. أبو الفضل، عیاض بن موسی بن عیاض الیحصبی السبتي، مشارق الأنوار علی صحاح الآثار. دار النشر: المكتبة العتیقة و دار التراث ج ۲/ ۲۹.

^۲ - شوکانی، فتح القدیر / ج ۱ / ص ۱۳.

^۳ - همان مرجع ج ۱ / ص ۲۰.

^۴ - همان مرجع ج ۱ / ص ۲۹.

کلمات در حالت نیازمندی. هفتم: بیان معنای اجمالی آیه. هشتم: بعد از شرح مفردات آیه با توجه به موارد فوق، احادیث و آثار که متعلق به تفسیر آیه می‌باشد، جهت جمع نمودن بین فن درایه و روایه، تفسیر آیه را اختتام می‌بخشد.

۲- نقد و تحلیل منهج ترتیب داده‌های تفسیری فتح القدير

در این شکی نیست که بدون از انبیاء، قول و گفتار هرکسی قابل ردّ و تأیید می‌باشد؛ چون جایز الخطاء هستند؛ بنابراین امام شوکانی و غیره از اهل علم و تحقیق از جمله کسانی هستند که در مواردی کارکرد شان قابل تأیید و در مواردی نظر به اینکه به خطا رفته‌اند و یا نواقص در آن وجود داشته، توأم با اینکه حق موضوع را اداء نکرده‌اند قابل رد می‌باشد.

بر مبنا و ملاک همین قاعده نیاز است منهج شوکانی رحمت الله علیه را در ترتیب داده‌های تفسیری قرار ذیل مورد بررسی و نقد قرار داده شود:

الف- وی در تفسیر آیات از تفسیر ادبی شروع کرده است، در حالی که در کتاب‌های مبانی و گرایش‌های تفسیری، قانون اینست که باید در تفسیر آیات از مبانی (قرآن و سنت) شروع شود، سپس به گرایش‌ها مراجعه شود، باتوجه به این منهج که او اختیار کرده، در ترتیب داده‌ها مؤفق عمل نکرده؛ بناءً قابل نقد می‌باشد.

ب- در بین مبانی نیز مؤفقانه عمل نکرده، بلکه در اکثر موارد مبانی سنت را بر مبانی قرآن مقدم کرده، در حالیکه اصل این است که سنت بر قرآن عرضه شود، تا صحت و سقم آن مشخص گردد، نه قرآن بر سنت؛ لذا اصل در تفسیر ماثور اینست که اول تفسیر قرآن با قرآن می‌شود، سپس تفسیر قرآن با سنت، ولی وی این اصل را رعایت نکرده است.

ت- در بین گرایش‌ها نیز همان ترتیب که علماء نظم منطقی بخشیده‌اند که در تفسیر، باید اول به گرایش استدلالی (فقهی، اصولی، کلامی و فلسفی)، توجه می‌شد، بعد از آن به گرایش ذوقی (ادبی، عرفانی) و سپس به گرایش علمی، تاریخی و اجتماعی، شوکانی این ترتیب را در تحلیل داده‌های تفسیری رعایت نکرده، بلکه بدون در نظر داشت نظم منطقی حرف رانده و به کدام اصل در ساختار تفسیر، پابندی‌اش دیده نمی‌شود.

ث- امام شوکانی در تفسیر خود احیاناً از روایات موضوعی و ضعیف که بعضی مفسرین آن‌ها را ذکر کرده‌اند، بدون تحقیق پیرامون سند آن و آگاهی به ضعف آن، استفاده کرده و به کتاب‌های تفسیر حواله داده است. طور مثال: در ذیل تفسیر آیه ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۱.

- ۱- سورة البقره: آیه ۲۲.

این چنین روایت را نقل می‌کند: «وأخرج الشافعي في الأم وابن أبي الدنيا في كتاب المطر و أبو الشيخ في العظمة عن المطلب بن حنطب أن النبي - صلى الله عليه و آله سلم - قال: «ما من ساعة من ليل ولا نهار إلا و السماء تمطر فيها يصرفه الله حيث يشاء»^۱.

ترجمه: امام شافعی در الأم و ابن ابی الدنیا در کتاب المطر و ابو الشیخ در العظمة از المطلب بن حنطب روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ساعتی از شب و روز نیست مگر اینکه باران در آن بیارد و خداوند آن را به هر کجا که بخواهد می‌فرستد.

البانی این روایت را ضعیف گفته است، دلیلش علاوه بر اینکه مرسل است در سلسله‌ی سند آن شخصی به نام شیخ شافعی می‌باشد که مجهول است و ثابت نشده که این کیست، ابراهیم بن ابی یحیی الأسلمی المدنی، غیر امام شافعی دیگران وی را متهم به کذب کرده است (۲).

و مثال برای ذکر روایت‌های موضوعی: شوکانی فرموده است: ابن ضریس و ابن مردویه و خطیب و بیهقی از ابوبکر صدیق روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سُورَةُ يَس تَدْعِي فِي التَّوْرَةِ الْمُعَمَّمَةَ، تَعْمُ صَاحِبَهَا بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، تُكَابِدُ عَنْهُ بُلُوَى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَتَدْفَعُ عَنْهُ أَهْوَيلَ الْآخِرَةِ، وَتَدْعِي الدَّافِعَةَ وَالْقَاضِيَةَ، تَدْفَعُ عَنْ صَاحِبِهَا كُلَّ سُوءٍ، وَتَقْضِي لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ، مَنْ قَرَأَهَا عَدَلَتْ عِشْرِينَ حَجَّةً، وَمَنْ سَمِعَهَا عَدَلَتْ لَهُ أَلْفُ دِينَارٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَمَنْ كَتَبَهَا ثُمَّ شَرَبَهَا أَدْخَلَتْ جَوْفَهُ أَلْفَ دَوَاءٍ، وَأَلْفَ نُورٍ، وَأَلْفَ يَقِينٍ، وَأَلْفَ بَرَكَةٍ، وَأَلْفَ رَحْمَةٍ، وَنَزَعَتْ عَنْهُ كُلَّ غَلٍّ وَدَاءٍ»^۳ شوکانی: در رابطه به این روایت می‌فرماید: بیهقی فرموده است: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الْجُدْعَانِيّ از سُلَيْمَانَ بْنِ رَافِعٍ الْجَنْدِيّ روایت کرده که وی مُتَكَرِّرُ الْحَدِيث است. همچنان او فرموده است: «این حدیث همان است که ترمذی به ضعف سند آن اشاره کرده است، اما بعید نیست که موضوعی باشد»^۴.

با توجه به روایت‌های ذکر شده در تفسیر شوکانی و تحقیقات انجام شده ثابت می‌گردد که روایت‌های ضعیف و موضوعی در حوزه فضایل سوره‌ها بیشتر آورده است.

ج- از بعض مراجع نقل نموده اما به آن‌ها حواله نداده است. و مثال آن در ذیل تفسیر آیه: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^۵. بیان شده است.

^۱- شوکانی، فتح القدیر ج ۱/ص ۶۱.

^۲- البانی محمد ناصر الدین، ۱۴۱۲ هـ/ ۱۹۹۲ م. سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعة و اثرها السئی علی الامة. دار النشر: دار المعارف، الرياض - المملكة العربية السعودية. طبع اول، ج ۹/ ص ۴۷۶ / شماره حدیث ۴۴۹۴.

^۳- ترجمه: سوره یس در تورات خیر عام نامیده شده است و به صاحب خود خیر دنیا و آخرت را می‌بخشد، بلاهای دنیا و آخرت و گرفتاری‌های آن‌ها را از او دور میکند. و هر بدی را از صاحبش دفع می‌کند، و هر حاجتی را برای او برآورده می‌کند هر کسی آن را بخواند معادل بیست حج است و هر کسی بشنود در راه خدا برای او هزار دینار است و هر کسی آن را بنویسد و بنوشد داخل او هزار دارو، هزار نور، هزار یقین، هزار نعمت و هزار رحمت پر می‌شود و هر بلا و بیماری را از او دور کرده خواهد شد.

^۴- فتح القدیر/ ج ۴/ ص ۴۱۱.

^۵- (البقره: ۲۸).

شوکانی در رابطه به تفسیر آیه فوق قول ابن عطیه را این چنین ذکر کرده است: «مراد از آیه همین است که کافران نمی‌توانند از آن عدول کنند و آن اینست که: اگر نفوس کفار به اینکه معدومین بودند، سپس در دنیا زنده شدند و سپس در همین جا می‌میرند، اذعان کنند. بر آن‌ها اقرار به آخرت لازم می‌شود». سپس با دوشیوه از قرطبی نقل قول می‌کند، یکی با عبارت «قال غیره»: «زندگی که در قبر است بنابر همین تأویل در حکم زندگی دنیا می‌باشد. و نیز گفته شده که مراد از (امواتاً) شما اموات در پشت آدم بودید، سپس همانند ذره از پشت آن بیرون آورده شدید، بعد از آن در دنیا می‌راندید. بعد از آن بر انگیزه می‌شوید. دوم با لفظ قیل این چنین نقل قول می‌نماید: "(کنتم أمواتاً) یعنی در پشت مردها نطفه بودید (فأحیاکم) شما را در دنیا زنده کرد؛ (ثم یمیتکم) بعد از حیات دنیا شما را در قبور می‌میراند. (ثم یحییکم) فی القبور (ثم یمیتکم) فی القبر (ثم یحییکم) مراد زندگی است که بعد از آن مرگ نیست»^(۱).

باوجودیکه قول مشخصاً از امام قرطبی است، اما شوکانی رحمه الله بدون حواله به مفسری، نقل قول نموده؛ در حالیکه بعد از ملاحظه پیرامون اقوال فوق، ثابت می‌گردد که عبارات فوق الذکر، قول قرطبی رحمه الله است؛ اما به وی نسبت داده نشده است.

ح - شوکانی رحمه الله، بر بعض تفسیرات ناپسند و باطل، بدون تنبیه بطلان آن، مرور کرده است، در حالیکه باطل بودن آن واضح و روشن است.

و مثال آن: روایت است که امام شوکانی رحمه الله، در ذیل آیه ۳۰ سورة بقره و در رابطه به تفسیر جمله: (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) از عبدالرزاق وسعید بن منصور و عبد بن حمید و ابن جریر از مجاهد چنین نقل قول نموده است: «علم من إبليس المعصية وخلقها لها»^(۲). (خداوند معصیت و نافرمانی ابلیس را می‌دانست و به خاطر معصیت و نافرمانی وی را خلق کرد نه به خاطر چیزی دیگری).

با وجودیکه خداوند اصدق القائلین در مورد هدف خلقت جن و انس می‌گوید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادُونَ)^(۳). نظر به این آیه، ابلیس از جمله مخلوقات است که برای عبادت خلق شده نه برای معصیت، بناءً اگر این روایت را به قرآن عرض می‌کرد که نکرده است نه تنها ضعیف بودنش ثابت نمی‌شد، بلکه به سبب مخالف بودنش با آیه قرآن کریم بطلانش نیز ثابت می‌گردید.

خ - نقد دیگری که بالای منهج شوکانی در تفسیرش وارد می‌شود، اینست که: اسباب نزول بعض آیات را متأخر قرار داده و در جمع و نوع تفسیر روایتی ذکر می‌کند که این روش باعث تشتت و پراکندگی ذهن خواننده می‌شود. شاهدش: ذکر متأخر سبب نزول آیه ۷۷ آل عمران است. شوکانی در مورد سبب نزول این جمله قرآنی می‌گوید (إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ) «همان طور که قبلاً تحقیق‌اش

۱- القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر الأنصاري، الجامع لأحكام القرآن، محقق: هشام سمير البخاري، ناشر: دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة: ۱۴۲۳ هـ/ ۲۰۰۳ م. ج ۱/ ص ۲۴۹.

۲- شوکانی، فتح القدیر/ ج ۱/ ص ۱۵۸

۳- الذاریات: ۵۶

گذشت بیش از یک بار عهد خدا را تبدیل کردند. و عهد خدا همان است که در مورد ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عهد کردند و سوگندها همان است که قسم می خوردند که به او ایمان آورده اند و او را یاری می کنند. و سبب نزولش بعداً ذکر می شود»^(۱). بعد از آن در رابطه به سبب نزول می گوید: ابن مسعود روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من حلف علی یمین هو فیها فاجر لیتقطع بها مال امرئ مسلم لقی الله وهو علیه غضبان فقال الأشعث بن قیس: فی والله کان ذلك کان بینی و بین رجل من اليهود أرض فجحدنی فقدمته إلى النبی صلی الله علیه و سلم فقال لی رسول الله - صلی الله علیه و سلم - ألك بینة؟ قلت: لا، قال لليهودی: احلف فقلت: یا رسول الله إذن یحلف فیذهب مالی فأنزل الله (إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ...)»^(۲). و همچنان این نقد در تفسیر آیات (۹۸ — ۱۰۳) سورة آل عمران، و آیات (۶۰ — ۶۵) سور نساء، متوجه شوکانی می گردد.

۳- نقد و تحلیل روش و نحوه استفاده شوکانی از مبانی تفسیری

الف- شوکانی همان قسمی که لازم بود، باید از تفسیر قرآن با قرآن استفاده می کرد، ولی این کار را نکرده است، در حالی که اکثریت علماء تأکید شان بر اینست که باید در مرحله اول در تفسیر قرآن به خود قرآن مراجعه شود. طوریکه علامه طباطبایی و شتیطی این اصل را رعایت نموده اند، سپس به مبانی دیگری مراجعه شود. با توجه به دیدگاه و نظریات دانشمندان و عملکرد آن ها، این نکته در تفسیر شوکانی و کارکردهای آن قابل نقد است.

ب- موارد که دانشمندان معاصر در کتاب های مبانی تفسیری و نقد و بررسی آراء و روش های مؤلفان در تبیین مبانی تفسیر تصریح کرده اند مسئله طبقه بندی می باشد؛ چون طبقه بندی بیان کننده ترتیب و ترتب علوم است. این ترتیب علوم ایجاب می کند که اولاً از مبانی استفاده شود و بعداً از گرایش ها که این اصل طبقه بندی علوم در تفسیر شوکانی رعایت نگردیده و ترتیب منطقی صورت نگرفته است، بلکه در اکثر موارد از گرایش ها استفاده نموده و بعد از آن از مبانی. در حالیکه اصل اینست که باید مبانی از گرایش ها مقدم باشد. خلاصه اینکه نظم بخشی منطقی علوم الهی و علوم بشری و ارتباط و وابستگی هریک از علوم مذکور با یکدیگر مسئولیت علمی هر مفسر قرآن می باشد، اگر این مورد در نظر گرفته نشود، می تواند یک نقیصه علمی باشد. در تفسیر شوکانی رحمه الله، همچو نظم بخشی منطقی در بین علوم الهی و علوم بشری و حتی در بین زیر مجموعه های علوم الهی و زیر مجموعه های علوم بشری (گرایش های تفسیری) که اول استدلالی، سپس ذوقی و بعد از علوم تجربی، اجتماعی و تاریخی باشد، صورت نگرفته است.

مثال که طبقه بندی در میان علوم الهی صورت نگرفته است و تفسیر لغوی و ادبی را نسبت به تفسیر روایی مقدم کرده است در کلمه المتقین مشهود است که در رابطه چنین می گوید: و متقین کسانی

^۱- شوکانی، فتح القدیر / ج ۱ / ص ۴۰۵.

^۲- همان مرجع / ج ۱ / ص ۴۰۶.

هستند که تقوا برایشان ثابت شده باشد. سپس به نقل از ابن فارس چنین فرموده: اصل تقوی در لغت کم صحبت کردن است. بعدش از زمخشری در مورد معنای لغوی و اصطلاحی متقی این چنین نقل قول نموده که: متقی اسم فاعل است از این قول عربی (وَقَاهُ فَاتَّقَى) مأخوذ می‌باشد. و (الْوَقَايَةُ) به معنای صیانت است و از آن جمله است: اسب محافظ و این حیوان، کسانى را که با او روبه‌رو شوند حفظ می‌کند و اگر با ضلع خود به شخصی برخورد کند و او به زمین بیفتد، سُم خود را به خاطر اینکه کوچکترین آسیب نرساند، از برخورد به آن حفظ می‌کند و در اصطلاح شریعت: متقی کسی را گویند که خود را از انجام یا ترک هر فعلی که مستحق مجازات است حفظ کند.^۱ بعد از ذکر اقوال اهل لغت، صحابه، تابعین، تابع تابعین و قول زمخشری، روایت را در صفحه بعدی از پیامبر در پیوند به تفسیر تقوی و متقین این چنین آورده است: پیامبر خدا فرموده است: «لَا يُلْغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَدَعَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَدَرًا لِمَا بِهِ الْبَأْسُ»^۲. در ادامه می‌گوید: رجوع کردن به آنچه این حدیث دلالت می‌کند، واجب است و این برای معنای شرعی متقی، مشخص‌تر و واضح‌تر از معنایی است که از صاحب کشاف ارائه کردیم.^۳

این روایت را که از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد تفسیر متقی نقل نموده، از همه دیدگاه‌های که از دیگران در مورد تفسیر متقی نقل کرده، متأخر آورده است.

ت- در بعضی موارد شوکانی تفسیر قرآن توسط سنت را نسبت به تفسیر قرآن توسط قرآن، مقدم ذکر می‌کند که این خود یک خلاء علمی است. چون از این روش شوکانی دانسته می‌شود که وی قرآن را به سنت عرضه کرده باشد؛ در حالیکه نظم منطقی در تفسیر قرآن اینست که باید سنت بر قرآن عرضه شود نه قرآن بر سنت.

ث- شوکانی نسبت به تفسیر قرآن توسط قرآن، بالای تفسیر قرآن توسط سنت یا روایت بیشتر تأکید کرده است که این خود از لحاظ دسته‌بندی و نظم‌بندی، منطقی و علمی نمی‌باشد؛ چون هر مفسر در تفسیر هر آیه و یا جمله مجبور است که در استفاده داخلی، قرآن را در درجه اول و روایت را در درجه دوم قرار دهد که رعایت این اصل در تفسیر وی کمرنگ بوده است.

ج- نظر به دیدگاه بعضی علماء و دانشمندان، تفسیر قرآن توسط اقوال اصحاب رسول الله، یک تفسیر اجتهادی بوده و در ردیف تفسیر بالروایه قرار گرفته نمی‌تواند و بعضی از علماء به این عقیده هستند که تفسیر قرآن توسط اقوال صحابه به مثابه تفسیر قرآن با روایت و سنت است، باتوجه به قول دوم بازهم گفته می‌توانیم که تفسیر شخصی صحابه و تابعین از تفسیر پیامبر صلی الله علیه وسلم برتری ندارد، بلکه تفسیر وی صلی الله علیه وسلم به تفسیر آن‌ها من حیث یک مفسر حقیقی برتری دارد؛ لذا لازم بود که

۱- شوکانی، فتح القدیر ج ۱ / ص ۳۹.

۲- ترمذی، سنن الترمذی، م/ج ۴/ ص ۶۳۴/ شماره حدیث ۲۴۵۱. او این حدیث را از لحاظ قبول حسن و از لحاظ سند غریب دانسته است. البانی حکم به ضعف اش کرده است.

۳- شوکانی، فتح القدیر ج ۱ / ص ۴۰.

از لحاظ نظم‌بخشی منطقی، تفسیر وی صلی‌الله‌علیه‌وسلم را مقدم می‌کرد که نکرده است. پس این نقد دیگری است که در ارتباط به چیدمان مبانی، متوجه تفسیر شوکانی می‌گردد.

ح- شوکانی در تفسیر قرآن توسط روایات، به روایات ضعیف استناد کرده است؛ در حالیکه نزد بعضی علماء و مذاهب، روایات تفسیری، نسبت به روایت‌های که در تشریع احکام، مستقل عمل نموده اند، مهم‌تر اند؛ زیرا که این روایت‌ها انسان را در فهم و درک معانی مقصوده آیه می‌رساند. اگر در این قسمت خدای نخواست، روایت جعلی بوده باشد، سبب پراکندگی مقصد قرآن می‌گردد و انسان در درک حقایق دچار انحراف می‌شود؛ بناءً باید شوکانی رحمه الله در قسمت نقل روایات ثقه و عدم ثقه و تفکیک روایات صحیح از ضعیف اهتمام را به خرج میداد که نداده است.

خ- شوکانی بعضی روایات ضعیف را در تفسیر خود آورده و معیار برای صحت و سقم آن‌ها کتاب‌های تفسیری و قول مفسرین را قرار داده است و به مصادر اصلی حدیث حواله نداده و ضعف آن‌ها را نیز تصریح ننموده است؛ طوری مثال به تفسیر طبری، تفسیر ابن کثیر و تفسیر در منثور سیوطی حواله داده و آن‌ها را من حیث مصادر حدیثی پذیرفته است؛ باوجودیکه روایات حدیثی دارای مصادر اصلی و منابع اساسی می‌باشد که باید به آن‌ها مرجع می‌داد و وی این کار را نکرده است.

د- شوکانی در تفسیرش ترتیب و دسته‌بندی داخلی را رعایت نکرده است؛ باوجودیکه رعایت این اصل در تفسیر قرآن خیلی مهم و اساسی می‌باشد. نحوه استفاده وی رحمه الله اینست که گاهی در گام اول در تفسیر آیه، به قرآن مراجعه کرده است، سپس به روایت. مثال این مورد در تفسیر او زیاد است. و گاهی هم در گام اول به روایت مراجعه کرده است، سپس به قرآن؛ طوری که در تفسیر جمله‌ی (الا مایتلی علیکم)^۱. مشاهده می‌شود.

۴- نقد و تحلیل از چگونگی استفاده شوکانی از آثار و اقوال صحابه و تابعین

در این شک نیست که کارکرد بشری دارای نواقص است؛ با در نظر داشت اینکه انسان جایزالخطا است، بعد از تحقیق پیرامون منهج و روش استفاده شوکانی از آثار و اقوال صحابه و تابعین، بعضی کمی و کاستی در این باب دیده می‌شود که قرار ذیل تذکر می‌گردد. این به این معنا نیست که به جایگاه علمی تفسیر لکه وارد شود و از منزلت علمی که دارد، تنزل صورت گیرد:

الف- شوکانی رحمه الله در تفسیرش از آثار و اقوال صحابه، تابعین و تابع تابعین در موارد مختلف، قسمی که در فوق، به موارد استفاده‌هایش به عنوان مشت نمونه خروار اشاره شد، استفاده صورت گرفته است؛ اما شوکانی رحمه الله در بعضی موارد اقوال ضعیف و حتی موضوع را از آن‌ها نقل کرده است که در بعضی جاها به ضعف اقوال اشاره کرده و در بعضی موارد، به ضعف آن‌ها اشاره نکرده است.

ب- در بعضی موارد اقوال آن‌ها را بدون حواله به منبعی نقل می‌کند که این در واقعیت الامر فهمیده نمی‌شود که از کجا گرفته شده است؛ در حالیکه ذکر ریفرینس اصلی در پژوهش‌های علمی یک امر ضروری و لازمی محسوب می‌گردد. به عنوان مثال: شوکانی رحمه الله فرموده است: «وَقَرَأَ ابْنُ عَبَّاسٍ

^۱ - سورة المائدة: آیه ۲.

«الْأَزْرُ» بِهَمْزَيْنٍ، الْأُولَى مَفْتُوحَةٌ وَالثَّانِيَةُ مَكْسُورَةٌ، وَرَوَى عَنْهُ أَنَّهُ قَرَأَ بِهَمْزَيْنٍ مَفْتُوحَيْنِ^۱. و حتی به صیغه ترمیض آورده است.

ت- بدون در نظر گرفتن جایگاه و درجه علمی صحابه و تابعین و عدم رعایت ترتیب در ذکر اقوال شان نقل کرده است؛ باوجودیکه هر کدام از اصحاب و تابعین از یک درجه علمی خاصی برخوردار نبودند، باید این جایگاه علمی و توانائی شان در فهم کتاب خدا در نظر گرفته می شد و یا به آن ها اشاره صورت می گرفت که نگرفته است؛ چراکه در نظر گرفتن این اصل علمی در استدلال به اقوال آن ها تأثیرات خود را می داشته باشد؛ اما این نکته را وی رحمه الله در نظر نگرفته است.

فرع دوم: تبیین و تحلیل محاسن علمی تفسیر فتح القدیر

محاسن علمی تفسیر مزبور، به طور مختصر قرار ذیل بیان می گردد:

الف- تفسیر شوکانی رحمه الله یک تفسیر جامع و موسوعه تفسیری محسوب می شود؛ چون در برگیرنده همه موارد تفسیری اعم از تشخیص مدنی و مکی با ذکر دلایل، بیان اسباب نزول در مواردی که از پیامبر صحابه، تابعین و تابع تابعین ثابت شده باشد؛ مثالش مثل «قد اختلف الناس في سبب نزول هذه الآية (۳۲) فَذَهَبَ الْجُمْهُورُ إِلَى أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي الْعُرَيْنِ. وَقَالَ مَالِكٌ وَالشَّافِعِيُّ وَأَبُو ثَوْرٍ وَأَصْحَابُ الرَّأْيِ: أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي مَنْ خَرَجَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَقْطَعُ الطَّرِيقَ وَيَسْعَى فِي الْأَرْضِ بِالْفَسَادِ^۲». بیان وجه تسمیه برای سوره ها و ذکر اسماء متعدد برای آن سوره های که از پیامبر صلی الله علیه وسلم، اصحاب، تابعین و تابع تابعین قولی در باره تعدد اسماء سوره ها نقل شده است؛ فضیلت سوره با ذکر دلایل نقلی، بیان قرآت متواتره و شاذه با اتکاء به دلایل و نقل قول از علماء؛ شرح مفردات و بیان معانی کلمات از جهات مختلف از قبیل: استناد به اقوال اهل لغت، واژه های عربی و اشعار جاهلی و غیرجاهلی، تفسیر قرآن با قرآن در مواردیکه پسندیده است، تفسیر قرآن با سنت و روایت در اکثر موارد، تفسیر قرآن به اقوال صحابه، تابعین و تابع تابعین، شرح مفردات، ترکیب اعرابی کلمات، جهت دریافت معنای دقیق آن ها، توضیح بلاغت، بدیع و بیان آیات است.

ب- استفاده از مبانی (قرآن و سنت) و استفاده از گرایش های تفسیری: اصولی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی، ادبی، علمی، تاریخی و اجتماعی به گونه کامل.

ج- گاهی در میان اقوال مفسرین با تصریح، دلیل راجح را از مرجوح تشخیص داده است و گاهی هم با اشاره دلیل راجح را از مرجوح تشخیص داده است. گاهی هم در میان اقوال مفسرین با تصریح به قاعده ترجیح را بیان کرده است. نگاه شود به کلمه «مسلمة» در آیه ۷۱ سوره بقره. و گاهی هم قول راجح و مرجوح را با اشاره به قاعده ترجیح، بیان و تصریح کرده است؛ نگاه شود به تفسیر کلمه «المشركات» در آیه ۲۲۱ سوره بقره که در اینجا، تخصیص بودن را بر منسوخ بودن توسط آیه ۵ سوره مائده، با اشاره به قاعده و دلیل آن، در صورت که امکان جمع بین نصین وجود داشته باشد، قول به نسخ نمی شود؛

^۱- شوکانی، فتح القدیر/ ج ۲/ ص ۱۵۱.

^۲- همان مرجع/ ج ۲/ ص ۴۰.

لذا در اینجا امکان جمع به عام بودن و خاص بودن وجود داشت، شوکانی قول کسانی که حکم به تخصیص کرده بودند، نسبت به قول کسانی که حکم به نسخ کرده بودند، ترجیح داده است. و گاهی هم اقوال را در وقت بروز اختلاف، بر یک دیگر در تفسیر آیات و کلمات، ترجیح می دهد؛ اما موجب و دلیلش را ذکر نمی کند.

در کل، تفسیر فتح القدیر در ظاهر یک کتاب موجز و مختصر است و نسبت به اکثر تفاسیر، تعداد مجلداتش اندک است، ولی از لحاظ محتوا، منهج و عملکرد علمی، دیده می شود که قرآن را از رهگذر گرایش های مختلفی تفسیر نموده است، با توجه به این خصوصیات، قول بعضی از علماء و محققین پیرامون اینکه، ملقب به موسوعه تفسیری نمایم، بجا است.

فرع سوم: تبیین و تحلیل معایب علمی تفسیر فتح القدیر

در این شک نیست که کار بشری خالی از نقص، کمی و کاستی نمی باشد، بنا بر آن عملکرد علمی شوکانی در تفسیر وی بعد از بررسی ثابت شد که دارای یک سلسله نواقص و معایب علمی است که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

الف- در نقل روایات پیامبر، آثار صحابه، اقوال تابعین و تابع تابعین از دقت کامل کار نگرفته است، بلکه غث و سمین را در تفسیرش جمع نموده است، با وجودیکه در تفسیر قرآن رعایت جرح و تعدیل روایت ها یک امر مهم و اساسی می باشد.

ب- شیوه کاری او مرتب و نظم بخشی منطقی نشده است و درست طبقه بندی و دسته بندی صورت نگرفته است؛ زیرا در بیشتر موارد از گرایش ادبی آغاز کرده و به تفسیر آیات بر اساس مبانی (تفسیر آیات با مبنای سنت) ختم کرده است که این روش در حقیقت خلاف روش علمی تحقیق شده معاصر بوده؛ چون اصول در تفسیر قرآن اینست که از مبانی شروع و به گرایش ها ختم می گردد. یعنی همچنین در مبانی از تفسیر قرآن با قرآن شروع و به تفسیر قرآن با سنت باید ختم شود؛ اما در تفسیر مزبور در بین مبانی، دسته بندی نیز رعایت نگردیده است؛ بلکه یک حالت غیر استاندارد را کار کرده است؛ چون گاهی تفسیر توسط سنت را مقدم کرده و گاهی هم تفسیر توسط قرآن را مقدم ذکر کرده و سپس به تفسیر توسط سنت مراجعه کرده است.

ت- گاهی بر خلاف قاعد تفسیری که علماء بر آن این چنین تصریح کرده است: «اگر آیه را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر کرده باشد، بعد از تفسیر او نیازی به تفسیر شخص دیگری که مخالف تفسیر او باشد، نیست»^۱، عمل نموده است. بنا بر آن از رسول الله صلی الله علیه و سلم در رابطه به تفسیر آیه ۲۱۰ سورة بقره، شوکانی این چنین روایت نموده است: «وَأَخْرَجَ ابْنُ مَرْدَوَيْهِ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَجْمَعُ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لِمِيقَاتٍ يَوْمَ مَعْلُومٍ قِيَامًا شَاحِصَةً

^۱ «إِذَا عُرِفَ التفسير من جهة النبي - صلى الله عليه وسلم - فلا حاجة إلى قول من بعده».

^۲ - قواعد التفسير (ج ۱/ص ۱۴۹)

أَبْصَارُهُمْ إِلَى السَّمَاءِ يَنْتَظِرُونَ فَصَلَ الْقَضَاءِ وَيَنْزِلُ اللَّهُ فِي ظُلِّهِ مِنَ الْعَمَامِ مِنَ الْعَرْشِ إِلَى الْكُرْسِيِّ^۱ یعنی: خداوند اولین و آخرین را در مکان مشخص و روز معین، گرد می‌آورد و چشمانشان به آسمان در انتظار اینکه فیصله‌نهایی چه وقت صادر می‌شود، می‌ایستند و در همین حال خداوند در سایه ابرها از عرش به سوی کرسی فرود می‌آید. باوجودی که شوکانی همچو روایت را از پیامبر خدا نقل کرده است، خودش برخلاف تفسیر او صلی الله علیه وسلم، در رابطه به تفسیر آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْعَمَامِ...»^۲ می‌گوید معنی آیه اینست: آیا منتظراند که خداوند یکی از اعمال را با یکی از مخلوقاتش که قصد جنگ با آن‌ها را دارد نشان دهد؟^۳ که این قول وی با تفسیر پیامبر در تضاد است. ث- گاهی هم بدون کدام دلیلی در بین قرائت‌ها، راجح و مرجوح را بیان می‌کند؛ در حالی که قاعده اینست، زمانی که قولی بر قولی ترجیح داده می‌شود، باید دلیل ترجیح تذکر داده شود. نگاه شود به قرائت‌ها موجود در کلمه «نغفر» آیه: ۵۸ سورة بقره^۴.

ج- در رابطه به سبب نزول آیات، روایات متعددی را اعم از حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم، آثار صحابه و اقوال تابعین با شیوه‌های تعارضی ذکر می‌کند؛ بدون اینکه به بیان جمع و ترجیح روایات بپردازد، در حالی که اصل علمی بر این استوار است، زمانی که یک دانشمند یا مؤلف اقوال و روایات را در کتاب خود، پیرامون موضوع واحدی ذکر می‌کند، باید از لحاظ اصول علمی قول راجح را بعد از تحقیق بیان کند؛ چون علماء برای رفع تعارض، قواعدی را وضع کرده‌اند که شوکانی رحمه الله در بعضی موارد در وقت پیدا شدن تعارض از آن‌ها استفاده کرده است و در بعضی موارد آن‌را، مهمل گذاشته و از موضوع رد شده است؛ به عنوان مثال: در سبب نزول آیه ۲۶۷ سورة بقره از ابن عباس و عمر رضی الله عنهما نقل قول نموده و به جمع و ترجیح آن‌ها نپرداخته است.^۵

ح- در بعضی موارد معنای کلمه را بر خلاف معهود بهای کلام عرب تعبیر می‌کند، مانند: «امیون» در آیه ۷۸ سورة بقره، با نقل روایت از ابن جریر طبری گفته است که معنای آن چنین است: «قَوْمٌ لَمْ يَصْدُقُوا رَسُولًا أَرْسَلَهُ اللَّهُ، وَلَا كِتَابًا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فَكَتَبُوا كِتَابًا بِأَيْدِيهِمْ، ثُمَّ قَالُوا لِقَوْمٍ سَفَلَةٍ جُهَالٍ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»^۶. در کلام عرب امی که امیون جمع آن می‌باشد. با مراجعه به منابع لغت عربی مأخوذ از ریشه اُم به

^۱- الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمي الشامي، أبو القاسم، المعجم الكبير، محقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، ناشر: دار إحياء التراث العربي، الطبعة: الثانية، ۱۹۸۳ م (۳۵۷/۹ ح ۹۷۶۳)، و حاکم (۳۷۶/۲ - ۳۷۷) و حاکم گفته است: "حدیث با شرط شیخین (بخاری و مسلم) برابر است، اما تخریجش نکردند و ذهبی با فرموده حاکم موافق است، و همچنین شیخ البانی در صحیح الترغیب والترهیب (شماره حدیث ۳۵۹۱) صحیح دانسته است.

^۲- البقرة: ۲۱۰.

^۳- شوکانی، فتح القدیر ج ۱ / ص ۲۴۲.

^۴- شوکانی، فتح القدیر ج ۱ / ص ۱۰۶.

^۵- شوکانی، فتح القدیر ج ۱ / ص ۳۳۱.

^۶- شوکانی، فتح القدیر ج ۱ / ص ۱۲۴.

معنای اصل و سرچشمه که چیزهای دیگر از آن منشأ می گیرند، می باشد^۱؛ و یا منسوب به اُم (مادر)؛ یعنی فرد وابسته به تربیت مادر را می گویند و همچنین به معنای درس نخوانده و بی سواد نیز می باشد^۲. و یا اینکه منسوب به اُمّ القری؛ ساکنان شهر مکه که در قرآن از آن به اُمّ القری تعبیر شده است، می باشد^۳. خ- شوکانی در ذکر سبب نزول در بعض موارد از قاعده سبب نزول سرپیچی کرده و طرفه رفته است؛ چراکه قاعده در سبب نزول اینست که باید حکم مرفوع را داشته باشد نه موقوف را. همچنین اسباب نزول موقوف به نقل و سماع است نه اجتهاد؛ با توجه به این دو قاعده، در سبب نزول قول کسی مورد پذیرش قرار می گیرد که شاهد نزول قرآن بوده باشد و از اسباب نزول آگاهی داشته باشد. این دو حالت در صحابه محقق می گردد؛ چونکه آن ها هم شاهد نزول قرآن بودند و هم به عنوان اشخاصی که در عصر رسول الله زندگی می کردند، از اسباب نزول آگاهی داشتند. بناءً نظریه پردازی در حوزه سبب نزول جای ندارد؛ اما شوکانی در مورد سبب نزول علاوه از روایات رسول الله و آثار صحابه، قول موقوف، مقطوع و ... را نیز نقل نموده است؛ حتی اینکه سبب نزول را به قول قیل ذکر می کند که اصلاً گوینده آن معلوم نیست. به عنوان مثال سبب نزول آیه ۲۰۴ سورة بقره را به قول (قیل) ذکر کرده است^۴. د- برخلاف قاعده که از طرف علماء وضع شده است، وی در بعض موارد حکم به زیادت بعضی حروف و کلمات در قرآن کریم نموده است؛ با وجودیکه نظر اکثریت قاطع علماء بر اینست که در قرآن زیادت وجود ندارد؛ چون ترتیب کلمات و نظم بخشی آن ها دقیق و حساب شده است؛ مثال آن آیه ۲۳ سورة بقره در جمله «من مثله» گفته است: که من زائد می باشد^۵. اگر از قاعده ای که در قرآن زیادت جای ندارد، استفاده می کرد، از کنار اقوال مرجوحی که حکم به زیادت و ابهامیت حروف و کلمات نموده است، نمی گذشت، طوریکه در تفسیر جمله «مابعضه» با نقل قول قیل و تمریض حکم به زیادت نموده و بدون کدام نقد و تحلیل، بحث را ادامه داده است. ناگفته نماند که احیاناً قول دیگران را در رابطه به زیادت نقل می کند، سپس ردش می نماید، نگاه شود تفسیر آیه ۳۴ سورة بقره که در آنجا قول ابو عبیده را ضعیف شمرده است^۶.

در اخیر به صورت خلاصه به این نتیجه رسیدیم که نحوه استفاده شوکانی از مبانی و گرایش ها مکمل بوده؛ اما نا منظم و بدون در نظر داشت مراتب، درجه ها و رده بندی های که محققین معاصر

۱- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب. دار صادر - بیروت. الطبعة: الثالثة ج ۱۲/ ص ۳۴. الزبیدی، ج ۸/ ص ۱۹۰.

۲- ابن منظور ... (بی تا). المحقق: عبد الله علي الكبير و دیگران. دار المعارف البلد: القاهرة. ب ج ۱/ ص ۱۳۸.

۳- سمیه حاجی بابای ارکی. فصلنامه علمی انسان پژوهی دینی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی. دوره ۵، شماره ۱۷ و ۱۸ اسفند ۱۳۸۷. صفحه ۵۸-۱۰۱.

۴- شوکانی، فتح القدیر ج ۱/ ص ۲۳۸.

۵- همان مرجع ج ۱/ ص ۶۲.

۶- همان مرجع ج ۱/ ص ۷۸.

میکانیزم را برای استفاده از مبانی و گرایش‌ها ترتیب نموده است؛ لذا در واقعیت الامر عدم رعایت نظم در استفاده از مبانی تفسیری، یک خلاء علمی محسوب می‌گردد.

مطلب سوم: یافته‌های تحقیق، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج و یافته‌های تحقیق

۱- جایگاه و رسوخ علمی مؤلف ثابت‌کنندهٔ مزیت کتاب مزبور می‌باشد یا چراکه تحقیق پیرامون زندگی علمی موصوف ثابت می‌کند که وی منیث یک مجتهد، خبرگی خود را در علوم که یک مفسر در تفسیر قرآن به آن‌ها نیاز دارد، حاصل کرده بوده و آگاهی خود را در مورد علوم پیش فرض برای تفسیر، علوم حدیث، آثار و اقوال سلف صالح که در فهم تفسیر قرآن، مفسر به آن‌ها نیاز دارد، تکمیل نموده، بعد از حصول معلومات پیرامون علوم مختلف، اقدام به تصنیف این کتاب کرده است.

۲- امام شوکانی رحمه الله کتاب‌های متقدمین در حوزهٔ تفسیر قرآن کریم را مطالعه دقیق نموده است، اطلاعات واسع حاصل کرده است؛ سپس آن نکات مهم و اساسی تفسیری که در کتاب‌های متقدمین درج بوده، اعم از تفسیر روایی و اجتهدی، جمع‌آوری کرده و در نتیجه بعد از تکمیل معلومات، بابت تلفیق در میان تفسیر روایی و درایتی و رفع نسبی، نیازمندی‌های علمی در باب تفسیر، اقدام به تألیف کتاب مذکور نموده است.

۳- همچنین وصف علماء در بارهٔ کتاب معهود به، ثابت‌کنندهٔ جایگاه علمی بالای آن، نسبت به بسیاری از کتاب‌های مفسران، محدثان، زبان‌شناسان و کتاب‌های احکام قرآن، می‌باشد.

۴- مؤلف رحمه الله شخصیت متفکر در حوزه‌های علمی، استنباطی و اتجاهات تفسیر بوده؛ لذا برازندگی شخصیت‌اش در تفسیر فتح‌القدیر انعکاس یافته است.

۵- مصادری که شوکانی در تفسیر خود استفاده کرده است، متعدد می‌باشد که به طور خلاصه به سه کتگوری تقسیم می‌شوند: ۱- مصادر تفسیری ۲- مصادر حدیثی ۳- مصادر لغوی.

۶- امام شوکانی تقریباً از کتاب‌های همه علمای قبل از خودش استفاد کرده و برخی از آنان را مورد نقد قرار داده است، باتوجه به اینکه از منابع متعددی تفسیری، حدیثی، ادبی و لغوی استفاده نموده است، عدهٔ از علماء تفسیر وی را یک موسوعهٔ تفسیری محسوب نموده اند.

۷- شوکانی در صورت بروز اختلاف، حکم به صواب بودن قولی می‌کند که با گفتار و کردار صحابه و تابعین موافق باشد. همچنین شوکانی در بیان وجوه قرائت، معرفی ناسخ و منسوخ از اقوال صحابه و تابعین استفاده کرده است.

۸- مفسر تلاش نموده از اسرائیلیات در تفسیر پرهیز نماید، ولی در جاهایی از تفسیرش گرفتار روایات اسرائیلی شده و در زمینهٔ اسباب نزول، فضیلت سوره‌ها و بیان قرائت متواتره و شاذه، روایاتی نقل می‌کند که دارای نقدهای فراوانی است. با وجود این ضعف‌ها و اشکالاتی که در تفسیر شوکانی وارد می‌شود، نمی‌توان جایگاه علمی کتاب و زحمات مؤلف آن را انکار کرد؛ چون تفسیر وی دارای نقاط قوی

علمی و از مزایای والای تألیفی بر خوردار می باشد که موجب بودن و در برگرفتن تمامی آیات قرآن از جمله آنها است.

نتیجه گیری

بعد از بررسی علمی پیرامون معرفی مفسر و تفسیر وی و تبیین و تحلیل منهج، محاسن و معایب آن، چنین نتیجه گیری می شود:

۱- این تفسیر، اثر مهم در علم تفسیر قرآن کریم است که به روش تفسیری روایی و اجتهادی، نوشته شده است. امام شوکانی از علمای بزرگ و برجسته علوم اسلامی، به خصوص علم تفسیر، محسوب می شود.

۲- این تفسیر به منهج و روش تفسیر آیه به آیه و موضوعی نوشته شده است. نویسنده در تفسیر آیات، به آیات دیگر قرآن و همچنین به احادیث نبوی، آثار صحابه و اقوال مفسرین پیشین، به شکل پراکنده، استناد کرده است. علاوه بر نقل قول و استفاده از درایت علمی و اجتهادی، به عقل و منطق نیز توجه دارد و سعی نموده تا معانی عمیق تری از آیات ارائه دهد.

۳- بعد از تحلیل و تبیین منهج مفسر ثابت شد که وی جهت رسیدن به فهم عمیق تفسیر آیات، توجه به فرهنگ لغت عربی، نیز نموده است.

۴- بعد از تحلیل و تجزیه داده ها در رابطه به محاسن تفسیر فتح القدير، ثابت می گردد که این کتاب دارای محاسن فراوان می باشد و به درک بهتر مفاهیم قرآنی کمک می کند.

۵- با بررسی معایب علمی «فتح القدير» ثابت شد که این تفسیر همانطوری که دارای محاسن علمی می باشد، دارای معایب علمی نیز می باشد.

۶- فتح القدير، اثر ارزشمندی در علوم قرآنی محسوب می شود، با توجه به محاسن آن و صرف نظر از معایب آن، می تواند به عنوان منبع معتبر، مورد استفاده محققین علوم اسلامی و به خصوص متخصصان علم تفسیر و علاقه مندان به علوم قرآنی قرار گیرد؛ اما باید با دقت از آن استفاده علمی نمود.

پیشنهادهای

۱- بدون تردید کار و فعالیت علمی انسان ها، خالی از عیب و نقص نمی باشد؛ فلذا برای محققین گرامی، پیشنهاد می گردد که فعالیت علمی و تفسیری مفسرین متقدمین و متأخرین را با در نظر داشت روش های تحقیق اولیه در علوم اجتماعی و علوم اسلامی و با تأمل و تدبر علمی پیرامون روش های نوین در باره نقد و بررسی مؤلفان کارد کرد علمی و تألیفی آنها را، جهت تثبیت جایگاه علمی مفسر و تفسیر و بیان کاستی های علمی آن و حصول آگاهی از ذهنیت مؤلف؛ چون از نقطه نظر دانشمندان هرمنوتیک، تألیف مؤلف، بیان کننده ذهنیت و فکر آنست، در خور بحث و تحلیل قرار دهند.

۲- خوشبختانه با حاکمیت امارت اسلامی در میهن عزیز ما افغانستان، زمینه تحقیق و فعالیت های علمی، پیرامون تمدن معنوی و علمی از دست رفته جامعه اسلامی که توسط مفسران و محدثان در حوزه های مختلف علمی به آرمغان آورده شده است، مساعد گردیده که پوهنتون های افغانستان به عنوان مراکز علمی، بر مبنای منهج علمی و چارچوب تحقیقی، کنفرانس های را در رابطه به تحلیل و نقد سالم مناهج

مفسرین؛ جهت احیای مجدد تاریخ تمدنی کشورهای اسلامی، به راه اندازند؛ تا اینکه طلاب مدارس، محصلان پوهنتون‌ها و علاقه‌مندان علم و معرفت اسلامی با آن‌ها آشنایی حاصل نمایند و آن‌ها در فهم و پویای خویش مقتدا قرار دهند. دور از گرایش‌های مذهبی در عرصه تحقیق پیرامون شناخت روابط انسانی و فرهنگی گام بردارند و از پویایی بیشتری در حوزه منهج‌شناسی بر خوردار شوند.

۳- مقاله حاضر که یکی از مهمترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها که باتوجه به موضوع، شرایط و هدف این تحقیق، تحلیل و نقد محتوای تفسیر فتح‌القدر شوکانی می‌باشد. بنابراین به رهبری وزارت تحصیلات عالی ۱.۱.۱ پیشنهاد می‌شود که برای آشنایی بیشتر نخبگان و علاقه‌مندان علم و معارف اسلامی به آثار تألیف مفسران، محدثان و سایر بخش‌های علمی از دانشمندان و اساتید دعوت نماید که در این حوزه‌ها، تحقیقات لازم علمی انجام دهند و با امتیاز مادی و معنوی تشویق‌شان کند و آثار تحقیق‌شان را به زیور چاپ آراسته سازد تا به دسترس همه‌گان قرار گیرد.

منابع و مأخذ

ابن عبدالبر، أبو عمر يوسف بن عبد الله. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي، ناشر: مؤسسة قرطبة- قاهره. (بی‌تا).

ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. لسان العرب. الناشر: دار صادر - بیروت. (۱۴۱۴ هـ). طبع سوم.
ابن منظور..... لسان العرب. المحقق: عبد الله علی الكبير و دیگران. دار النشر: دار المعارف - قاهره. بی‌تا.

ارکی، سمیه حاجی بابایی. بررسی امین در قرآن کریم شماره ۱۷ و ۱۸. دوره ۵. فصلنامه علمی انسان پژوهی دینی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی. ۱۳۸۷.

الأصبی، مالک بن أنس بن مالک المدنی. موطأ مالک رواية يحيى بن يحيى الليثي الأندلسي. تحقيق: محمد الراوندي و دیگران، ناشر: المجلس العلمي - المغرب - مطبعة النجاح - الدار البيضاء. (۱۴۳۴ هـ - ۲۰۱۳ م). طبع اول.

البانی محمد ناصر الدین. سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة و اثرها السني على الامة. دارالنشر: دار المعارف، الرياض - المملكة العربية السعودية. (بی‌تا). طبع اول.

بزار، أبوبکر أحمد بن عمرو. مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار. محقق: محفوظ الرحمن زين الله و دیگران، الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة. (بی‌تا). طبع اول.

جمال الدين، محمد طاهر بن علی الصديقي. مجمع بحار الأنوار في غرائب التنزيل ولطائف الأخبار. الناشر: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية. ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م. طبع سوم.

جودوی، امیر و دیگران. نقد و بررسی آراء و روش‌های مؤلفان در تبیین مبانی تفسیراجتهادی - منطقی قرآن، مشخصات نشر: تهران: مکی. (۱۴۰۲).

حاکم، أبو عبد الله محمد بن عبد الله النيسابوري. المستدرک علی الصحيحین للحاکم، محقق: أبو عبد الرحمن مقبل بن هادی الوادعی، دار النشر: دار الحرمين: القاهرة - مصر. (۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م).

حسین علوی مهر، روشها و گرایشهای تفسیری، ناشر: سازمان اوقاف و امور خیریه، اسوه. (بی‌تا).

ذهبی، محمد حسین. التفسير والمفسرون، القاهرة: مكتبة وهبة. (بی‌تا).

السبت، خالد بن عثمان. مختصر في قواعد التفسير، ناشر: دار ابن القيم- دار ابن عفان، (١٤٢٦هـ/ ٢٠٠٥). طبع اول.

سجستاني، أبوداود سليمان بن الأشعث بن إسحاق. سنن أبي داود، محقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، ناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت. (بي تا).

سيد رضا مؤدب. روشهای تفسیر قرآن، قم: اشراق. (بی تا). چاپ اول، الشرجی، عبد الغنی قاسم غالب. الإمام الشوكاني حياته وفكره، بيروت: مؤسسة الرسالة. (بی تا). شوكاني، محمد بن علي. قطر الولي على حديث الولي، تحقيق: إبراهيم إبراهيم هلال. دار الكتب الحديثة. (بی تا).

شوكاني، محمد بن علي. البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت. (بی تا). شوكاني، محمد بن علي. فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من التفسير، الناشر: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب - دمشق، بيروت، (١٤١٤ هـ). طبع اول.

شوكاني، محمد بن علي بن محمد. إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول، المحقق: الشيخ أحمد عزو عناية، الناشر: دار الكتاب العربي. (١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م). طبع اول. ضياء الدين أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد المقدسي. الأحاديث المختارة أو المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرجه البخاري ومسلم في صحيحهما، دراسة وتحقيق: عبد الملك بن عبد الله، الناشر: دار خضر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت. (١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م). طبع سوم.

طباطبائي، سيد محمد حسين. الميزان في تفسير القرآن، مؤسسة الأعلمی للطبوعات - بيروت. (بی تا). طبري، محمد بن جرير بن يزيد أبو جعفر. جامع البيان في تأويل القرآن، محقق: أحمد محمد شاكر، ناشر: مؤسسة الرسالة. (١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م). طبع اول.

طبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم. المعجم الكبير، محقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، ناشر: دار إحياء التراث العربي، (١٩٨٣ م). طبع دوم.

عمر، أحمد مختار عبد الحميد. معجم اللغة العربية المعاصرة. الناشر: عالم الكتب. ١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ م. طبع اول. الغماري، محمد حسن بن احمد. الإمام شوكاني مفسراً، مكة مكرمه: جامعه ام القرى. (١٤١١ ق). قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري. الجامع لأحكام القرآن، المحقق: هشام سمير البخاري، الناشر: دار عالم الكتب، الرياض. (١٤٢٣ هـ/ ٢٠٠٣ م).

كحالة، عمر رضا. معجم المؤلفين، الشاملة الإصدار. (بی تا). النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب. السنن الكبرى، محقق: مركز البحوث بدار التأصيل، الناشر: دار التأصيل - القاهرة. (١٤٣٣ هـ - ٢٠١٢ م). طبع اول.

يحصي، أبو الفضل، عياض بن موسى السبتي، مشارق الأنوار على صحاح الآثار. دار النشر: المكتبة العتيقة و دار التراث. (بی تا).



Two quarterly

Ainak Academic- Research Journal

Logar Higher Education Institute

Journal license date: June/2023



تبيين وتحليل المنهج، العيوب والمزايا العلمية في تفسير فتح القدير

- ١- الأستاذ المساعد خال محمد حقجو، قسم العلوم والثقافة الإسلامية، كلية التعليم والتربية، جامعة بغلان - افغانستان. البريد الإلكتروني للباحث المسؤول: khalmohammadhaqju123@gmail.com
- ٢- الأستاذ المشارك الدكتور أمير جودوى. قسم التفسير، كلية الشريعة، جامعة يزدا - ايران.

ملخص البحث

يهدف هذا البحث، وهو مقال علمي، إلى تحليل وتوضيح منهج تفسير فتح القدير للإمام الشوكاني، مع بيان مزاياه وعيوبه. وقد سمي الشوكاني تفسيره في مقدمته بـ "الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير". ومؤلف الكتاب هو محمد بن علي بن عبد الله الشوكاني، العالم البارز والفقير الشهير في زمانه، والذي عاش في صنعاء باليمن (١١٣٠هـ - ١٢١١هـ)، وكان متبحراً في علوم الشرعية بمختلف فروعها.

يتناول هذا البحث عدة موضوعات، منها: التعريف المختصر بالشوكاني، التعريف بكتاب "فتح القدير"، الخصائص والميزات العلمية للكتاب، النقد والتحليل العلمي لمنهجه، طريقة الشوكاني في استخدام الأسس والاتجاهات التفسيرية مع تقديم أمثلة تطبيقية. وينتهي البحث باستنتاج دقيق ومدرّس. بعد تحليل منهج تفسير الشوكاني، وبيان محاسنه وعيوبه وفق المنهج التحليلي- الوصفي، توصلت الدراسة إلى أن المفسر حاول تجنب الإسرائيليات في تفسيره، لكنه في بعض المواضع وقع في ذكر بعض الروايات الإسرائيلية. كما نقل روايات ضعيفة وموضوعة في أسباب النزول، وفصائل السور، وبيان القراءات المتواترة والشاذة، وقد نالت هذه الروايات انتقادات علمية متعددة. ورغم هذه المآخذ والانتقادات، لا يمكن إنكار المكانة العلمية لهذا التفسير أو التغافل عن جهود مؤلفه، بل يجب تقديره، وذلك لما يتمتع به تفسيره من عناصر علمية قوية وميزات تأليفية عالية، ومن أبرزها الإيجاز وشمولية التفسير لجميع آيات القرآن الكريم.

الكلمات المفتاحية: الشوكاني، مزايا التفسير، عيوب التفسير، منهج تفسير فتح القدير، التحليل والتوضيح.

استناد: حقجو، خال محمد و جودوى، أمير. (١٤٠٤). تبيين وتحليل المنهج، العيوب والمزايا العلمية في تفسير فتح القدير. المجلة العلمية البحثية عينك، العام الثاني، العدد الرابع: ١٢٥-١٤٦.

خبرندويه اداره: لوگر د لوړو زده کړو مؤسسه © د ليکوال يا ليکوالانو حق.
